

بررسی تاثیر آموزش زبان عربی بر تقویت فرهنگ دینی دانش آموزان دوره متوسطه اول

حسین یوسفی آملی^۱، عبدالله سلیمانی^۲

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران، ایران.

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران، ایران.

چکیده

هدف محققان در این مقاله "بررسی تاثیر آموزش زبان عربی بر تقویت فرهنگ دینی دانش آموزان دوره متوسطه اول" بوده و روش تحقیق کتابخانه ای یا تاریخی می باشد. اهداف اصلی تحقیق عبارتند از: ۱- رویکردهای دینی آموزش زبان عربی دوره متوسطه اول ۲- بررسی مولفه های تدریس اثربخش دروس عربی و رابطه آن با تربیت دین ۳- چگونگی و اهمیت تدریس زبان عربی و رابطه آن با تربیت دینی دانش آموزان. در تحلیل یافته ها می توان گفت: فرآیند یاددهی و یادگیری در سیستم آموزشی از عوامل متعددی تاثیر می پذیرد که از جمله می توان به خانواده، معلم، کتاب، گروه همسالان اجتماع و وسایل ارتباط جمعی اشاره داشت. دروس عربی و دینی در برنامه های آموزشی و در سیاستگذاریهای مربوط به توسعه فرهنگی در کشور ما از جایگاهی ویژه برخوردار است. زیرا توسعه فرهنگی بر مبنای یک نظام ارزشی قوام و بنیانهای خود را محکم می سازد که دین و اخلاق از بنیانهای این نظام ارزشی محسوب می شوند، به خصوص آنکه در جامعه دینی ما این ارزشهای دینی و اخلاقی همواره اهمیتی مضاعف و نقشی محوری در فرهنگ ایرانی داشته اند. اگر آموزش و پرورش را یکی از مؤثرترین شیوه های انتقال و گسترش این ارزشها بدانیم در سیستم کتاب محوری موجود، کتابهای درسی دینی ما مهمترین عامل در بسط ارزشهای مذکور خواهد بود.

واژه های کلیدی: آموزش زبان عربی، تقویت فرهنگ دینی، دانش آموزان، دوره متوسطه اول.

مقدمه

امروزه متخصصان آموزش زبان‌های خارجی می‌کوشند با استفاده از شیوه‌های نوین تدریس، با وجود همه عوامل مشکل ساز، آموزش زبان‌های خارجی را با کمترین امکانات پیش ببرند. بسیاری از صاحب نظران آن‌قدر به روش تدریس اهمیت می‌دهند که آموزش موفق را در گرو همراهی دانش کافی معلم در زمینه تخصصی وی و شیوه مناسب تدریس می‌دانند، زیرا بر این باورند که بدون اتخاذ شیوه مناسب تدریس معلم نمی‌تواند دانش خود را خوب به دیگران منتقل کند. چگونگی آموزش متون از مهمترین بخشهای آموزش زبان‌های خارجی است. صاحب نظران و متخصصان آموزش زبان عربی برای آموزش متون عربی شیوه‌های کارآمدی را طرح کرده اند. توجه به این شیوه‌ها، به ویژه وقتی هدف آموزش زبان عربی فهم و درک متون عربی است، ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که هدف آموزش زبان عربی در مدارس ایران، بالابردن سطح درک دانش آموزان از متون عربی و به ویژه متون دینی است و سیاست راهبردی آموزش زبان عربی در آموزش و پرورش نیز توجه به متن و دریافت معانی و مفاهیم متن است.

طرح مسئله

زبان عربی به عنوان یکی از زبان‌های غنی و پر جاذبه که علاوه بر تاریخ طولانی از گستردگی شایان توجهی برخوردار است، دارای ویژگی‌های قابل توجهی است که فراگیری و آموزش آن در مدارس را اهمیت بیشتری می‌بخشد. ساختارهای بدیع و دل انگیز، فراوانی واژگان، پویایی پذیرش از دیگر زبان‌ها، تنوع در تعبیر و استواری در نظام زبانی از مهمترین ویژگی‌های این زبان در نظام آموزشی ما است. با توجه به موارد فوق و اهمیت مسئله به نظر می‌رسد پژوهش و بررسی "تاثیر آموزش زبان عربی بر تقویت فرهنگ دینی دانش آموزان دوره متوسطه اول" در مدارس و جامعه ما از اهمیت خاص و ضروری برخوردار باشد.

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی رویکردهای دینی آموزش زبان عربی دوره متوسطه اول
- ۲- بررسی مولفه‌های تدریس اثربخش دروس عربی و رابطه آن با تربیت دینی
- ۳- چگونگی اهمیت تدریس زبان عربی و رابطه آن با تربیت دینی دانش آموزان

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر ترکیبی از نوع و تاریخی- تحلیل محتوا" می باشد و روش گردآوری اطلاعات در تحقیق روش کتابخانه ای بوده و ابزار گردآوری داده‌ها شامل: کتاب درس عربی دوره متوسطه اول - مجلات معتبر- مجموعه احادیث و آیات قرآنی و تحقیقات کارشناسان می باشد و در تجزیه و تحلیل داده‌ها بعد از فیش برداری و استخراج اطلاعات از بانک‌های اطلاعاتی و سایت‌ها، داده‌ها به لحاظ کیفی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

مبانی نظری پژوهش

هدفهای آموزش و پرورش در دوره متوسطه اول

در دوره متوسطه اول تحصیلی کوششهای قبلی برای رشد و پرورش مطلوب تن و روان و تربیت اجتماعی و اخلاقی و هنری و... در سطحی بالاتر و کاملتر از دوره ابتدایی... ادامه خواهد داشت. در عین حال تحصیلات این دوره دو هدف اساسی را متضمن است: اولین گروه هدف‌های خاص در دوره متوسطه اول تحصیلی شامل فعالیتهای آموزشی و پرورشی و اجرای برنامه‌های

رسمی تحصیلات به منظور آماده ساختن کودکان برای ادامه تحصیلی در دوره متوسطه دوم یا ایجاد آمادگی برای شروع زندگی اجتماعی و تولید از طریق ارائه اطلاعات و معلومات عمومی لازم برای زندگی روزمره آنهاست در حدی که کودکان از نظر خواندن و نوشتن و حساب کردن و دانستن علوم پایه و آشنایی با اصول و روابط زندگی جمعی و سایر دانستنی ها و توانایی ها در سطحی قرار گیرند که در صورت عدم ادامه تحصیل برای کار و شروع زندگی اجتماعی آمادگی داشته باشند...

دومین هدف مهم و مشخص این دوره تحصیلی کشف و شناخت استعدادها و علائق شخصی و رغبت های فردی دانش آموزان بر اساس موازین دقیق علمی و تربیتی است (شکوهی، ۱۳۸۷: ۵۳).

اهداف موردنظر در این دوره را به شرح زیر مطرح کرده‌اند:

-پرورش فضایل اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان،

-کمک به ایجاد و پرورش عادت نظم و ترتیب و تفکر علمی که از دوره شش ساله ابتدایی آغاز شده است،

-افزایش تجارب و معلومات عمومی دانش‌آموزان برای بهتر زیستن در اجتماع،

-تشخیص استعدادها و رغبت‌های فردی دانش‌آموزان در رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و راهنمایی آنان در مراحل بعدی تحصیل، به رشته‌های مختلف بر حسب استعداد و احتیاجات کشور. با تغییر ساختار آموزش و پرورش و براساس طرح مقدماتی اصلاح وضع آموزش و پرورش کشور مصوب سال ۱۳۴۴، براساس اهداف دوره راهنمایی تحصیلی، مواد درسی و ساعات برنامه درسی دوره راهنمایی تدوین شد که در این بین به دروسهای قرآن، دین و اخلاق ۳ ساعت در هفته برای هر پایه اختصاص داده شد. در طی سالهای ۵۱ تا ۵۷ ساعات اختصاص یافته برای دروسهای قرآن و تربیت و تعلیم دینی ۲ ساعت در هفته بوده است. در برخی از زمانها این ساعات بین ۲ تا ۵ ساعت متغیر بود و اکنون ساعت اختصاص یافته به کتب قرآن و جدید التالیف پیام‌های آسمان (دینی سابق) ۴ ساعت در هفته (۲ ساعت در هفته قرآن و ۲ ساعت در هفته پیام‌های آسمان) برای هر پایه می باشد (صافی، بهار ۱۳۷۳، شماره ۳۷: ۱۷).

اهمیت آموزش تربیت دینی

دوره نوجوانی

کودک در این مرحله به علت تغییرات شدید فیزیولوژیکی در وضع و حالت خاص از نظر روانی قرار می گیرد، روحیات و افکارش تغییر می یابد، و نوجوانی برای خود عالمی دگر می شود به همین دلیل این مرحله از رشد را رسو « تولد دوم » نامیده است. دانستن خصوصیات بدنی، به ویژه روانی نوجوانان از نظر آموزش و پرورش صحیح آنان، برای مربیان بسیار ضروری است. روانشناسان این دوره از زندگی را به طور متفاوتی تعریف کرده اند و آنچه را که همگی مسلم شمرده اند این است که شیب دوره ای است مابین کمال و کودکی (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۰: ۱۷۹).

نقش زبان عربی در اصول آموزش دینی کودکان و نوجوانان

نقش زبان عربی و رابطه آن با آموزش دینی و توجه به جنبه های مختلف آن و رویکرد تربیتی، نیازمند یک توجه موثر و پویا که بتوان ثمرات بهتری را بدست آورد:

«... به موازات دستگاه آموزش دینی، باید سازمانهایی نیز کارشان تهیه ی کتاب مناسب تعلیم و تربیت دینی (جوابگویی سوالات و اشکالات نوجوان و جوان) با مطالبی منطقی، نه تنها قانع کننده و دهان بند باشد؛ زیرا فرزند در سنی است که می خواهد فلسفه و غایتی برای زندگی بجوید و خط مشی تلاش های بعدی خود را پیش بینی نماید و لذا می پرسد: زندگی چیست؟ من

برای چه زنده ام؟ چرا تلاش می کنم؟ و باید اسلام با جامعیتی که دارد جواب گوی این سوالات باشد، فرزند را با پاسخ های شایسته ی خود علاقه مند علم کند و راغب به عقل و میزان نماید و چون هدفی درست، برای زندگی خود، پسندید و اجتماع و حقوق آن را صحنه نهاد، به رعایت تعهدات اجتماعی، خود را ملزم بیند.» (مظلومی، ۱۳۸۶: ۲۳۵)

«یکی از متخصصین روانشناسی پرورشی در ایران می گوید: در مدارس جدید، نظام، چنان است که در اطفال حس مذهبی و ایمان را پرورش نمی دهند. درست است که درسی به نام قرآن یا تعلیمات دینی دارند، اما چون متضمن قبول و فهم نیست و محیط و معلم نیز، مناسب، نمی باشند، تولید ایمان نمی کنند... بعضی ها به بودن درس دین و به گوش خوردن این مطالب دل شاد هستند؛ اما من آن را نمی پسندم و می گویم: اگر دین در دل، جای نگرفت و مطلوب نیامد، بیزاری ایجاد می کند و اصل زندگی در خطر می افتد.» (همان: ۲۳۸)

رابطه کتب درس عربی با تعلیم و تربیت اسلامی

تدوین کتب درسی عربی دارای قابلیتها بالقوه، نقاط ضعف و قوت بسیاری است که باید براساس نظریه تعلیمی و تربیتی اسلامی منطبق گردد: «... بین دین، یعنی مجموعه ای از ارزشها و اعتقادات از یک طرف و برنامه ی درسی یعنی طرح یادگیری، از طرف دیگر رابطه ای قوی وجود دارد. دین برای سوالات مربوط به مبانی فلسفی برنامه ی درسی پاسخ های متفاوتی دارد. تفاوت برنامه ی درسی مبتنی بر رئالیسم دینی از پاسخ به سوال مزبور آشکار می شود. برای درک رابطه ی دین و برنامه ی درسی و ارائه مدل برنامه درسی مبتنی بر فطرت الهی - انسانی مطالعات عمیق تری همراه باجسارت علمی باید انجام پذیرد.» (ملکی، ۱۳۸۲: ۱۴)

رابطه آموزش زبان عربی با وظایف آموزش و پرورش در زمینه تربیتی برنامه های بلندمدت

تربیت، به معنای اصطلاحی، فرایند سازگاری میان فرد و محیط اوست و این عمل از اشتراک مستقیم و غیرمستقیم فرد در زندگی اجتماعی سرچشمه می گیرد. با ادامه این مشارکت، عاداتها، گرایشها، ارزشهای فکری و اجتماعی فرد شکل می گیرند. مفهوم ومعنای تربیت بر حسب اختلاف میدانهای مطالعه روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی در دیدگاه های آنها نسبت به فرد و جامعه فرق می کند ولی همگی مهمترین وظایف تربیت را عبارت می دانند از:

۱- تربیت، وسیله ای برای بقای جامعه است زیرا بدون آن، برقراری روابط اجتماعی، که ضرورت زندگی آدمی هستند، غیر ممکن است.

۲- تربیت، وسیله ای برای پیوند دادن و رشد و تکامل افراد است از طریق:

- مشارکت در مفاهیم

- تشابه در مشاعر برای دست یافتن به واکنشهای مورد انتظار از افراد جامعه در موقعیتهای معین.

- ایجاد و رشد و گسترش احساس مسولیت.

۳- تربیت، وسیله ای است برای رشد و گسترش فرهنگ

رابطه عمده نسلها « فرهنگ » و عمدتاً « زبان » است که انتقال آن از نسل قدیم به نسل جدید تنها از راه آموزش و پرورش امکان دارد.

۴- تربیت به پیدایش و رشد گرایشهای رفتاری (ذهنی و عاطفی) کمک می کند و آنها نیز موجب تکوین عاداتهای سودمند و تعدیل انگیزه های فرد در جامعه می شود.

۵- راهنمایی مردم به سوی ارزش های اجتماعی، وظیفه دیگر تربیت است

تربیت، در واقع فرایندی است ارزشی و معلمان در همه مقاطع آموزشی، در حقیقت ارزش ها را تدریس می کنند یا آنچه را که به نظر ایشان برای محصلان، ارزشمند است آموزش می دهند.

۶- تربیت، آوردن امکانات لازم برای تحقق رشد و تکامل همه جانبه (ذهنی، بدنی، عاطفی، اجتماعی) مردم را بر عهده دارد.

۷- تربیت، وسیله یا فرصتی است که به افزایش و گسترش تجارب افراد در زمینه های گوناگون کمک می کند.

۸- تربیت به رشد و گسترش زبان که بدون آن زندگی انسان غیر ممکن است، کمک می کند. بنا براین هر معلم، پیش از اینکه معلم یا متخصص رشته یا درس خاصی باشد، عمدتاً معلم زبان و ادبیات قوم خودش است.

۹- تربیت، به یادگیری ارزش های اخلاقی و زیبا شناسی و توان ارزیابی آثار هنری کمک می کند

بدیهی است تربیت (آموزش و پرورش)، در هر شکل، هنگامی موثر و سودمند خواهد شد که:

الف) شرایط و امکانات درونی و بیرونی فرد را در جوامع گوناگون در نظر بگیرد.

ب) از شرایط و فرهنگ حاکم بر جامعه آن غافل نباشد.

مهمترین وظیفه هر آموزشگری آن است که ذهن و فکر دانشجویان خود را باز کند. تعداد، بس ناچیز است و دنیای ما این همه وسیع. ما باید به شاگردان خود آگاهی دهیم که حداکثر فقط از ده درصد توانایی های مغزی و ذهنی خود استفاده می کنند، باید به آنها بگوییم که خود جزئی از این عظمت شگرف هستند و اگر بخواهند می توانند به راز های آن پی ببرند. این است وظیفه ای که هر آموزشگر و مربی شایسته این نام بر عهده دارد. (همان: ۲۶۴)

تعریف تربیت دینی و رابطه آن با سایر ابعاد

برای مشخص شدن تعریف تربیت دینی اجازه دهید ابتدا تعریف روشنی از دو اصطلاح «دین» و «تربیت» داشته باشیم و سپس به تعریف تربیت دینی و ارتباط آن با سایر ابعاد بپردازیم.

با توجه به تعریف دین و تربیت، تربیت دینی را می توان "فراهم آوردن بستری مناسب برای هر چه بهتر شکوفا شدن استعدادهای فرد از درون در جهت بُعد دوم دین، یعنی بعد اعتقادی و گرایشی آن" دانست: چنانچه تعلیم یا تعلیمات دینی همان تقویت بُعد اول دین است (روشندل، ۱۳۹۰: ۱۹).

کلیات کتاب عربی دوره متوسطه اول

این کتاب دارای یک راهنمای برنامه می باشد که به عنوان نقشه راه است که به صورت کلی شامل موارد زیر می باشد:

برنامه درسی کتب عربی دوره متوسطه اول

۱- اهداف الف: شناختی ب: نگرشی ج: رفتاری

۲- محتوا: محتوای اصلی در آموزش ما خود کتاب است.

۳- روشها: برای آموزش محتوا از شیوه ها و روشهای مختلف استفاده می کنیم.

ارزشیابی: نشان دهنده این است که ببینیم آیا دانش آموزان به اهداف مورد نظر رسیده اند و آیا می توانند به مقاطع بالاتر بروند و یا نه و یا ادامه تحصیل دهند.

امروزه ارزشیابی و ارزیابی بیشتر در حیطه شناختی است و ما عموماً با تکنیکهای مختلف ارزشیابی که حیطه رفتاری و نگرشی را در نظر بگیرد آشنا نیستیم.

اهداف کتب عربی

اهداف سه پایه: اهدافی که دانش آموزان در پایان سال نهم باید به آن رسیده باشند. اهدافی که در سه پایه قرار می دهیم عبارتند از: (۱) اهداف شناختی: موضوعاتی که با ذهن سرو کار دارند. مثال: دانش آموز با برخی از مفاهیم و عبارات عربی آشنا می شود. (۲) اهداف نگرشی: موضوعاتی که با عواطف سرو کار دارند. مثال: به زبان عربی علاقه مندی نشان می دهند. (۳) اهداف رفتاری: موضوعاتی که با مباحث دینی و اجتماعی کار دارند. مثال: برای آشنایی با برخی دیگر از عبارات عربی تلاش می کنند. اهداف پایه: اهداف کلی را به اهداف جزئی تر تقسیم کرده و سهم هر پایه را مشخص می کند. در سه قالب شناختی، نگرشی و رفتاری یا مهارتی.

وسعت و توالی:

وسعت: به دامنه گفتن یک موضوع و بزرگی و کوچکی یک موضوع می گویند.

توالی: یک موضوع را در چه پایه تحصیلی بیان می کنیم.

روش و شیوه های تدریس

در کتب مختلف مطالب زیادی در این خصوص بیان شده است که می توان مورد مطالعه قرار داد.

برخی از روش های پیشنهادی برای تدریس:

- ۱- همیاری مشارکتی: این روش در بیشتر موضوعات دینی بخصوص مباحث اجتماعی قابل اجرا است.
- ۲- پرسش و پاسخ: این روش در مباحث اعتقادی و نظری کارایی دارد. بین دودانش آموز یا معلم و دانش آموز.
- ۳- قصه گوئی: برای آغاز درس و بیان سیره ی بزرگان و آموزش غیرمستقیم ارزش های اخلاقی موثر است.
- ۴- ایجاد فرصت تامل با خود: گاهی یک سوال و یا یک بیت شعر و یا یک تصویر آدمی را به تامل و می دارد.

موانع یادگیری در آموزش زبان عربی

انسان موجودی با ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و اخلاقی است و در هر یک از این ابعاد نیازهایی دارد. به منظور برآورده ساختن نیازهای خود ناچار گردید تا به صورت اجتماعی زندگی کند و در این شرایط نیاز به داشتن وسیله ارتباطی در حد بالایی احساس شد. ابتدا به زبان اشاره‌ای روی آورد اما به دلیل محدودیت‌های این زبان، به خلق زبان کلامی نیاز پیدا کرد و برای پاسخگویی آن به زبان کلامی و بعد هم نوشتاری پرداخت. این موضوع امروزه به حدی تنوع دارد که حدود ۴۰۰۰ زبان را می توان در دنیای امروزی شناسایی نمود.

تعدد زبانی و نمادهای نوشتاری و نیاز روزافزون انسان‌ها در دهکده جهانی به برقراری ارتباط و استفاده از امکانات علمی، فنی و... یکدیگر، ضرورت یادگیری بعضی از زبان‌های دنیا را بسیار حتمی نموده است. از جمله یادگیری زبان انگلیسی و عربی برای ایرانیان. این آموزش در آموزش و پرورش کشور ما از دوره متوسطه اول به طور رسمی آغاز می‌شود و سالانه وقت زیادی از معلمان و دانش‌آموزان صرف یادگیری مسائل مختلف این زبان‌ها به عنوان زبان خارجی می‌شود.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا نظام تعلیم و تربیت به اهدافی که در یادگیری زبان‌های خارجی تعیین نموده است، دست می‌یابد؟ تا چه حد این اهداف با روش‌های فعلی قابل دستیابی‌اند؟ موانع موجود کدامند؟

بدین منظور این موانع در چند مقوله زیر مورد بحث قرار می‌گیرند:

۱- عوامل مربوط به دانش‌آموزان

۲- عوامل مربوط به جامعه

۳- عوامل مربوط به نظام آموزشی

۴- عوامل مربوط به معلمان (نظریان، ۱۳۸۶: ۵۴)

بدیهی است که دانش‌آموزان محور مهمی از آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهند و ویژگی‌های آنان در تسهیل یا دشواری یادگیری تمام دروس مؤثرند. این ویژگی‌ها در یادگیری دروسی که برای آنان تازگی دارند از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند بود. ویژگی‌های دانش‌آموزان در دو حیطه شناختی و عاطفی با یادگیری دروس زبان خارجی مرتبط می‌شوند. از ویژگی‌های شناختی آنان می‌توان به هوش، تجارب و آموخته‌های گذشته اشاره کرد. هوش دانش‌آموزان در یادگیری تمامی دروس تأثیرگذار است. تجارب و آموخته‌های گذشته آنان در یادگیری دروس عربی و زبان انگلیسی به شکل خاصی نقش بازی می‌کند. بدین صورت که دانش‌آموزان در کلاس اول راهنمایی تقریباً بدون گذراندن هیچ درس پیش‌نیاز، یادگیری این دروس را آغاز می‌کنند و طبیعی است که عملکرد آنان در این دروس در مقایسه با دروس دیگر از جمله ریاضی، فارسی و... متفاوت و احتمالاً پایین‌تر باشد. تحقیقات مختلف از جمله تحقیق بلوم در چندین کشور دنیا نشان داده است که رفتارهای ورودی شناختی نقش مهمی در یادگیری آموزشگاهی دارند (سیف، ۱۳۷۹: ۴۷). بنابراین، یکی از موانع یادگیری دروس عربی و زبان انگلیسی فقدان رفتارهای ورودی شناختی کافی در دانش‌آموزان است.

در حیطه عاطفی و رفتارهای ورودی عاطفی می‌توان به تجارب دانش‌آموزان که در سال‌های قبل از یادگیری زبان عربی و انگلیسی از طریق اعضاء خانواده (خواهران و برادرانی که در دوره راهنمایی و دبیرستان تحصیل می‌کنند) و دوستان و... کسب می‌شوند، اشاره کرد.

به نظر می‌رسد که بیشتر دانش‌آموزان در هنگام ورود به کلاس‌های این دو درس نگرش مثبتی نسبت به یادگیری آنها ندارند و احتمالاً یا دارای حالتی خنثی و یا منفی هستند.

با توجه به اینکه تحقیقات قبلی نقش رفتارهای ورودی عاطفی را در یادگیری دروس تقریباً ۲۵ درصد بیان داشته‌اند، لذا می‌توان گفت که ۲۵ درصد از علت پیشرفت یا عدم پیشرفت دانش‌آموزان در این دروس به رفتارهای ورودی عاطفی آنان مربوط می‌باشد (سیف، ۱۳۸۸: ۸۸).

عامل دوم در زمینه رفتارهای ورودی عاطفی به انگیزه دانش‌آموزان بر می‌گردد. در واقع هیچ فردی بر نقش انگیزه در یادگیری تردید ندارد و این انگیزه در یادگیری زبان خارجی به دو شکل مطرح می‌باشد:

انگیزه یکپارچه و انگیزه وسیله‌ای مطالعات پژوهشی گسترده ثابت کرده‌اند که زبان‌آموزان هنگامی بیشترین موفقیت را کسب می‌کنند که فرهنگ و مردم وابسته به زبان خارجی مورد مطالعه خود را دوست داشته باشند و بخواهند با جامعه‌ای که در آن به آن زبان تکلم می‌شود، آشنا شوند. این حالت را اصطلاحاً انگیزه یکپارچه گویند. منظور از انگیزش وسیله‌ای این است که در این نوع انگیزه هدف از یادگیری زبان خارجی بیشتر کاربرد آن است، مانند گذراندن واحد درسی یا آماده شدن برای کنکور. زبان‌آموزانی که دارای انگیزه وسیله‌ای هستند، موفقیت چندانی در کلاس‌های زبان خارجی کسب نمی‌کنند. حال اگر بی‌انگیزگی تعدادی از دانش‌آموزان در زبان عربی و انگلیسی به این عامل افزوده شود، پیش‌بینی عملکرد آنان در یادگیری این دروس بسیار آسان خواهد بود و آن هم این است که صرف داشتن انگیزه ابزاری باعث یادگیری سطحی دروس مذکور خواهد شد و نداشتن انگیزه هیچ‌گونه یادگیری را به دنبال نداشته و حتی باعث احساس استرس و سرانجام ایجاد تنفر نسبت به کتاب و دبیران این دروس خواهد شد (گرچی، ۱۳۷۵: ۹۵).

لازم است در مورد روش‌های مهم زبان‌آموزی نیز سخنی به میان آید و آن اینکه این روش‌ها را می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد: ۱- روش دستور - ترجمه ۲- روش مستقیم ۳- روش تقلیدی - حفظی یا گوشه - زبانی ۴- روش شناختی (خدمتی ۱۳۸۸: ۵۴)

بررسی پیشینه پژوهشی

بررسی پیشینه پژوهشی در آغاز مطالعات کیفی، در جهت دادن پژوهش نقش کمتری دارد، هر چند برای توجیه ضرورت تحقیق حائز اهمیت است. علت این امر آن است که در مطالعات کیفی محقق می‌کوشد از طریق مشارکت در یافت واقعیت و بررسی دیدگاه‌ها و نگرش مخاطبان به سوالات خود پاسخ گوید.

باقری (۱۳۹۲) در تحقیق "آسیب شناسی آموزش قرآن در مدارس راهنمایی" عواملی چون: مهارت کم معلمان در فنون تدریس و ارزشیابی، نبود نقد و تحلیل محتوا در فرایند تدریس، توجه کم به روش‌های فعال تدریس از قبیل: روش قصه‌گویی، بارش فکری و حل مسئله، انگیزه کم فراگیران در کلاس گروه معارف دینی، جایگاه نامطلوب آموزش زبان عربی در مدارس و اهمیت ارزشیابی کتبی در دروس مذهبی، را از آسیب‌های آموزش قرآن در مدارس دانست.

در زمینه آموزش زبان عربی در ایران، در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی صورت گرفته است. در پژوهش متقی زاده و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «نگاهی به کتاب عربی اول دبیرستان بر اساس الگوها و ملاک‌های تحلیل و سازماندهی محتوا» که با روش تحلیل محتوا انجام گرفته است، این نتیجه به دست آمده است که برای سازماندهی محتوای این کتاب از الگوهای «هسته اصلی» و «تلفیق از طریق محاط کردن» پیروی شده است و اصول توالی، مداومت و یکپارچگی تا حد زیادی رعایت شده اند. (مجله جستارهای زبانی، صص ۲۳۷-۲۶۰)

نیکو بخت (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و نقد متون کتاب‌های درسی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی و تاثیر این متون در آموزش زبان عربی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی - دانشگاه تربیت مدرس)، به بررسی چهار شاخصه تناسب کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان، میزان موفقیت متون بر اساس حیطة شناختی، میزان موفقیت متون بر اساس حیطة عاطفی و میزان موفقیت متون بر اساس حیطة مهارتی پرداخت و به نتایج زیر رسید:

در حالی که ۷۱ درصد معلمان مناسب بودن ساختار کتاب‌های درسی را در حد کم و خیلی کم می‌دانند، ۶۶/۳۹ درصد دانش‌آموزان این میزان را در حد متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند. این تفاوت نظر بین معلمان و دانش‌آموزان از نظر آماری معنی دار است. همچنین هر دو گروه دانش‌آموزان و معلمان معتقدند که متون در دستیابی به اهداف سه حیطة شناختی، عاطفی و مهارتی، چندان موفق نبوده‌اند و میان نظرات دانش‌آموزان و معلمان، به جز در مورد حیطة عاطفی، تفاوت معنی داری وجود ندارد.

حکیم زاده (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان «ارزشیابی از میزان موفقیت کتاب جدید التالیف عربی دوم راهنمایی در نیل به اهداف مورد نظر» (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی) به این نتیجه رسید که به تیین جایگاه زبان عربی در سطح جامعه کمتر توجه شده است. معلمان، اساتید و مولفان، محتوای کتاب را در حد مطلوب ارزیابی کرده اند؛ ولی عملکرد دانش آموزان رضایت بخش نیست.

متن اصلی تحقیق (تحلیل یافته ها)

رویکردهای دینی آموزش زبان عربی دوره متوسطه اول

تعلیم و تربیت دینی باید به گونه‌ای انجام گیرد که تمهیدات لازم برای رسیدن انسان به درجاتی از ایمان را فراهم نماید. انسان هدایت‌گر نیز نباید تنها به دانستن حقایق دینی قناعت کند، بلکه باید بکوشد شرایطی برای خود فراهم آورد که این علم به قلب برسد و قلب تسلیم حقایق و معارف شود.

ضرورت و اهمیت (فلسفه ی وجودی)

رابطه‌ی ایمان و تقوا یک رابطه‌ی دو طرفه است. مرتبه‌ی اول تقوا، مرتبه‌ی اول ایمان را به دنبال دارد. ایمان اولیه سبب حرکت می‌شود و مراتب دیگر تقوا را به دنبال می‌آورد. ایمان که التزام، تسلیم، گرایش و حبّ قلبی به حق و راه حق است، عمل صالح را به دنبال خود دارد. بدون ایمان، عمل صالح حاصل نمی‌شود و راهی به عمل صالح نیست. به عبارت دیگر، انبیای الهی و ائمه‌ی اطهار صلوات الله علیهم هادیان و مربیان برگزیده‌ی خداوند هستند و انسان‌ها را به سوی هدف اصلی خلقت و تعالی هدایت و تربیت می‌کنند. وظیفه‌ی اولیه و اصلی هر نظام الهی و اسلامی نیز ایجاد زمینه و فرصت برای تحقق همان هدفی است که انبیا به خاطر آن مبعوث شده و قیام کرده‌اند. بر این اساس، پرداختن به تعلیم و تربیت دینی، در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نه تنها اهمیت دارد، بلکه مهم‌ترین وظیفه‌ی آن است و مجموعه‌ی برنامه‌های آموزشی و تربیتی باید به سوی این وظیفه‌ی مهم جهت‌گیری کنند. از این زاویه، تعلیم و تربیت دینی اختصاص به درس خاص و برنامه‌ی خاص ندارد و هر برنامه‌ی درسی به تناسب موضوع و محتوای خود باید در رسیدن به تعلیم و تربیت دینی کمک کند و مؤثر واقع شود. اما از آن جا که معرفت به دین و ارائه تفکر منسجم در اعتقادات دینی و راه و روش زندگی نیازمند آموزش ویژه‌ای نیز هست، ضروری است، علاوه بر توجه عمومی برنامه‌ها به تعلیم و تربیت دینی، برنامه و درس خاصی نیز به آن اختصاص یابد و دانش‌آموزان به کمک معلم تخصصی خود، معرفت و دانش مورد نیاز را کسب کنند (گروه تعلیم و تربیت دینی، ۱۳۹۲: ۷).

رویکرد برنامه (رویکرد فطرت‌گرای توحیدی)

رویکردها یا رهیانت‌ها که عموماً ناظر بر دیدگاه‌ها و طرز تلقی‌های خاص‌اند، بر عناصر و اجزای یک برنامه پرتوافکنی می‌کنند و ساختار و سامان آن را جهت می‌دهند. رویکردها به تناسب گستره و وسعتی که دارند، می‌توانند در مراحل مختلف یک برنامه ظاهر شوند و هر بخش از آن را تحت تأثیر قرار دهند. برخی از رویکردها که عموماً ناظر بر مبانی آن برنامه‌اند، چنان گستره‌ای دارند که بر تمام اجزای برنامه تأثیر می‌گذارند و برخی که در درون آن رویکردهای کلی قرار می‌گیرند، ناظر بر برخی از اجزای برنامه‌اند.

رویکرد مناسب و سازگار با تعلیم و تربیت دینی، رویکرد فطرت‌گراست. این رویکرد، برخاسته از دیدگاه اسلام نسبت به انسان و انسان‌شناسی دینی است. در این دیدگاه، «فطرت» نقش محوری دارد و همان‌طور که متفکر شهید مرتضی مطهری گفته‌اند، ام‌المعارف محسوب می‌شود. فطرت به معنای نوع خاص خلقت انسان است. این خلقت خاص، به انسانیت انسان، اوصاف و ویژگی‌هایی ذاتی بخشیده که او را از سایر انواع موجودات متمایز می‌کند. انسان دارای استعدادها و غایات خاص، گرایش‌های خاص و توانایی‌های شناختی خاصی است که یا در موجودات دیگر مشاهده نمی‌شود و یا تا بدان حد در آنها تحقق ندارد. دین که راه سعادت و کمال است، بر این فطرت بنا شده و در تناسب با آن نازل گردیده است:

«فأقم وجهك للدين حنيفا فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اكثر الناس لا يعلمون»
(سوره‌ی روم، آیه ۳۰)

بنابر معارف دینی، هر انسانی با فطرتی پاک به دنیا می‌آید و تنها طریقی که می‌تواند انسان را به رستگاری برساند و استعدادهای واقعی‌اش را شکوفا سازد، طریق سازگار با فطرت و منطبق بر آن است (گروه تعلیم و تربیت دینی، ۱۳۹۲: ۹).

اصول منتج از رویکرد فطرت‌گرای توحیدی

این رویکرد که برگرفته از انسان‌شناسی اسلامی است، ما را به سمت اصولی راهنمایی می‌کند که برنامه‌ی درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و الزاماتی را در اجزای برنامه به دنبال دارند.

اهم این اصول در این برنامه عبارت‌اند از:

۱- توجه به حقیقت کمال‌گرای انسان

۲- توجه به عقلانیت و تفکر

۳- جمع میان عقل و عرفان

۴- توجه به بُعد زیباگرایی انسان

۵- توجه به رشد معتدل و همه‌جانبه‌ی انسان. (همان: ۷)

بررسی مولفه‌های تدریس اثربخش دروس عربی و رابطه آن با تربیت دینی

عناصر مطلوب تدریس

معلمانی تدریس اثر بخش دارند که به گونه‌ای مناسب، اهدافی را که مستقیم یا غیر مستقیم با یادگیری دانش آموزان مرتبط است، دنبال می‌کنند. وجهت‌دستیابی به اهداف آموزشی دانش و مهارت‌های مورد نیاز را به دست می‌آورند تا بتوانند از آن‌ها در زمان مناسب به شیوه‌ی مطلوب مورد انتظار به کارگیرند. که در اینجا بعضی از ویژگی‌های یک تدریس اثر بخش را یادآور می‌شویم

۱- آمادگی کامل

معلم برای یک تدریس خوب، خود از یک طرف باید از نظر جسمی، روحی و روانی و علمی آمادگی داشته باشد و از طرف دیگر مقدمات لازم برای استفاده از زمان تدریس را با آماده کردن شاگردان و فضای کلاس فراهم کند تا از این طریق کلاس درس به نحو مطلوبی اداره شود.

۲- داشتن طرح درس

طراحی آموزشی یا طرح درس، شامل تصمیم‌گیری در مورد عناصر برنامه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. طرح درس چارچوب کاری معلم را معین می‌کند. و هدف از طرح درس، استفاده بهینه از زمان، تصمیم‌گیری در مورد مضمون و مراحل تدریس و ایجاد شرایط لازم شکل بخشیدن به یادگیری است.

۳- استفاده از شیوه های مناسب تدریس

اثر بخش ترین معلمان، کسانی هستند که می توانند روش های تدریس خود را تغییر دهند، یعنی روش های تدریس آن ها، آن قدر انعطاف پذیر است که می تواند به سهولت با موفقیت های مختلف تطبیق پیدا کند. در یک جلسه تدریس الزاماً نباید از یک روش تدریس استفاده شود بلکه باید از شیوه های متعددی برای تدریس موضوع مورد نظر استفاده شود. بنابراین معلم باید بروش ها و شیوه های گوناگون تدریس، مسلط باشد و با توجه به وضعیت و مقتضیات کلاس درس از روش های خاصی استفاده کند (مرتضوی زاده، ۱۳۸۶: ۸۸).

۴- مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری

معلم باید همه دانش آموزان را در تمام مراحل تدریس، اعم از شروع تدریس، ارائه و خلاصه کردن و... فعالانه شرکت دهد تا اداره کلاس به شکل مطلوبی صورت گیرد بدین طریق، دانش آموزان مطالب مورد نظر را به خوبی فراگیرند زیرا دانش آموزان هستند که یادگیری را محقق می سازند. برای تحقق این امر، لازم است معلم برای دانش آموزان فرصت فعالیتهای علمی نظیر: تجربه، آزمایش و مشاهده را مهیا کند، آنان را برای مشارکت در بحث های کلاس و سایر فعالیت های جمعی ترغیب کند و اجازه دهد تا در یادگیری خود سهیم شوند. بدین معنا که باید به دانش آموزان اجازه داد درباره آن چه یاد می گیرند و نیز درباره شیوه های یادگیری خود سهیم باشند.

۵- نظارت مداوم بر کلاس

معلم باید توجه داشته باشد که نگاه خود را عادلانه در بین دربین فراگیران تقسیم کند زیرا فراگیران بخشی از مطالب درسی از طریق ارتباط چشمی با معلم خود فرامی گیرند.

۶- تسلط بر مطالب تدریس

اگر معلم احاطه کامل بر موضوعات درسی داشته باشد و برای شاگردان از نظر علمی شخص مهمی جلوه کند، شاگردان توجه خاصی به سخنان وی خواهند داشت، لذا تسلط معلم بر مطالب نقش موثری در پیاپی او به سوالات شاگردان خواهد داشت ۷- استفاده بهینه از وقت

معلم باید به گونه ای وقت کلاس را تنظیم نماید که وقت او بیهوده تلف نگردد. بعداً نیازی به کلاس های فشرده جبرانی نباشد. او بهتر است از مطالب غیر ضروری پرهیز نماید و طبق زمان بندی براساس سر فصل تهیه شده تدریس کند.

۸- استفاده از رسانه های کمک آموزشی

معلمان شایسته است که برای یادگیری بهتر در محیط آموزشی رسانه های مناسب با تدریس خود را انتخاب کرده و در جهت تهیه آنها و یا ساختن آن اقدامات لازم را با همکاری مسئولان به عمل آورند (کریمیان جعفریان، ۱۳۸۵: ۶۵)

تنوع در مواد و وسایل و منابع آموزشی، روشها و تکنیک ها و فضای آموزشی از سوی آموزش را از حالت یکنواخت و خسته کننده خارج می سازد و به آن جذابیت و گیرایی می بخشد از سوی دیگر شرایط بهتری برای نوعی تکرار مفید در ارائه محتوا، مفاهیم، اصول و روشهای علمی مورد نظر فراهم می آورد.

۹- به کار گرفتن حواس و مهارت ها و توانایی های مختلف یادگیرندگان

تحقیقات روان شناسی یادگیری و علوم تربیتی بر نقش حواس مختلف دریادگیری اشاره دارد یعنی گرچه بخشی از یادگیری از طریق حس شنوایی انجام می شود ولی بخش عمده دیگر از طریق بینایی ممکن است. حواس دیگری چون لامسه، بویایی و چشایی نیز به سهم خود دریادگیری انسان موثر است. بنابراین اظهارات انجام شده، برای افراد طبیعی، حس بینایی نقش اساسی تری دریادگیری دارد، پس از آن شنوایی، حواس دیگر در مرتبه بعدی قرار دارند. (میزابییگی ۱۳۸۴: ۹۸) آندرز در خصوص اهمیت و کاربرد مواد بصری می نویسد: استفاده از تصاویر بعدی یا ذهنی بریادگیری مفاهیم تأثیر می گذارد. نکته حائز اهمیت این که نباید آموزش را صرفاً به شیوه های شنیداری محدود ساخت بلکه اولویت دادن به شیوه دیداری به ویژه تلفیق شیوه دید دیداری شنیداری تأثیرات مفید یاد دهی - یادگیری را افزایش می بخشد.

۱۰- تناسب با شرایط و امکانات محیط و حداکثر استفاده از آن

استفاده از فضای سبز مدارس در صورت موجود و یا استفاده از پارک های نزدیک مدرسه استفاده از برنامه های علمی تلویزیونی، از طریق ضبط قبلی برنامه یا شناسایی و استفاده از شرایط و امکاناتی که در اختیار والدین قرار دارد می تواند در اختیار کلاس فرزندان قرار گیرد از جمله: اولیای شاغل و دارای مسئولیت در مراکز صنعتی، تولیدی، مخابرات، انتشارات، مراکز هنری، آزمایشگاه ها و فضاهای طبیعی.

۱۱- تناسب بارشد شخصیت و بهداشت روانی یادگیرندگان

روش مناسب و آموزش اثر بخش آن است که علاوه بر آموزش علمی بر رشد شخصیت و بهداشت روانی یادگیرندگان نیز تأثیر مثبت داشته باشد. همچنین بهداشت روانی و درمان نیز، به مفهوم گسترده و عمیق خود، ارتباطی اساسی با آموزش و پرورش و تربیت دارد. زیرا که اهداف تربیت انسان می توان به مواردی چون ایجاد تغییرات مطلوب در افکار، نگرش ها، گرایش ها و کنش های آدمی و ایجاد تعادل در شخصیت فرد اشاره داشت. لازم است آموزش به گونه ای برنامه ریزی و اجرا گردد که در وهله ی اول مغایر با رشد شخصیت و بهداشت روانی یادگیرنده نباشد در وهله ی بعد، آموزش مطلوب آن است که حتی الامکان در تقویت چنین جنبه هایی تأثیر مثبت داشته باشد.

چگونگی و اهمیت تدریس زبان عربی و رابطه آن با تربیت دینی دانش آموزان

بسیاری از معلمان و صاحب نظران حوزه آموزش، تأثیر روش تدریس را بیشتر از سایر ارکان عملیات تدریس می دانند. به نظر آنان روش تدریس قوی با محتوای ضعیف بهتر از روش تدریس ضعیف با محتوای علمی قوی است. به هر حال، این حقیقت انکارناشدنی است که معلمی که از نظر علمی قوی است اما روش آموزش وی ضعیف است، در تدریس موفق نخواهد بود، چون نمی تواند دانش خود را به دانش آموزانش انتقال دهد. در واقع معیار آموزش در کار تدریس این است که چه کار می توانی بکنی نه اینکه چقدر می دانی! هر چند این به معنی بی توجهی به دانش معلم در زمینه رشته تخصصی وی نیست

روش تدریس متون

مدت هاست که آموزش زبان های خارجی در دنیا به سوی آموزش متن محور سوق داده شده است و در این راستا صاحب نظران و متخصصان شیوه های گوناگون و کارآمدی را برای آموزش بهینه متون مطرح کرده اند. در بخش آموزش زبان عربی نیز در سال های اخیر به متن محوری توجه شده است. این توجه در دو حوزه تغییر کتا بهای آموزشی از قواعد محوری به متن محوری و تغییر شیوه های تدریس متون نمود پیدا کرده است. مهمترین تغییراتی که در شیوه های تدریس متون رخ داده عبارت است از:

دادن اطلاعات پیش زمینه به دانش آموزان

درجه فهم متن را معلومات پیشین خواننده تعیین می کند. پس هر قدر شناخت ما از موضوعی که قصد خواندن آن را داریم بیشتر باشد، فهم ما از متن عمیق تر خواهد بود، یعنی هر چه معلومات پیشین خواننده بیشتر باشد، توقف او در اجزای متن کمتر است، زیرا دانش او در فهم متن کمکش می کند (الجوینی، ۲۰۰۵). بسیاری از متون کتابهای درسی عربی در برگیرنده داستان های تاریخی و دینی است که احتمالاً فراگیران و دانش آموزان درباره بسیاری از این داستان ها آگاهی لازم را ندارند. معلمان می توانند با دادن اطلاعات پیش زمینه در مورد این داستانها هم فهم متون را برای دانش آموزان راحتتر کنند و هم بر انگیزه آنها برای پیگیری کل داستان بیفزایند (متقی زاده وهمکاران، ۱۳۸۹، شماره ۳۵).

بلندخوانی

-بلندخوانی معلم

قبل از اینکه دانش آموزان درس را با صدای بلند بخوانند، معلم باید یک بار آن را با صدای بلند برای دانش آموزان بخواند. در این نمونه خوانی معلم باید مخارج حروف را درست ادا کرده و وقفها را رعایت

کند (حیدری و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۴) هدف از این کار، رفع مشکلات روخوانی دانش آموزان و عادت دادن آنها به ادای صحیح کلمه هاست.

تلفظ متفاوت بعضی حروف (ح و ه / ت و ط / ث و س / ذ و ز و ظ) در زبان فارسی و عربی سبب اشتباه های بسیاری در فهم متون می شود. معلمان باید در روخوانی خود تفاوت های میان این حروف را رعایت کنند و تلفظ دقیق آنها را به دانش آموزان یاد دهند.

-بلندخوانی دانش آموزان

بعد از بلندخوانی معلم، یکی از دان ش آموزان باید متن را با صدای بلند بخواند. معلم باید دقت کند که او حروف را درست ادا کرده و قواعد وقف را رعایت کند (قاسم عاشورا و الحوامده، ۲۰۰۹). بلندخوانی بهترین وسیله برای کشف غلط های نطق و ادای حروف و تصحیح آنها) و همچنین وسیله تشویق و درمان دانش آموزانی است که مضطرب اند و می ترسند. این روش آنان را برای حضور در مجامع و ایراد سخنرانی آماده می کند (قاسم عاشورا، الحوامده، ۲۰۰۹؛ جودت، ۱۹۸۶) نکته مهم این است که معلم نباید خطاهای دانش آموزان را مستقیماً و درست بعد از هر تلفظ اشتباه آنها اصلاح کند، بلکه باید این فرصت به دانش آموز داده شود تا خواندن یک بند یا متن را تمام کند. بعد از آن معلم در مورد خطاهای او از دیگر دانش آموزان سؤال می کند تا آنان را نیز به مشارکت وادارد.

-توجه بیشتر به معنا و مفهوم کلی متن و نه فهم کلمه به کلمه

هدف خواندن باید درک معنا و مفهوم متن باشد و نه فهم کلمه به کلمه متن. پرداختن به کلمه های مشکل و مراجعه پی در پی به فرهنگ لغت روند خواندن را کند و ملال آور می کند در واقع، هدف خواندن باید این باشد که زبان آموز به مرحله ای از اعتماد به نفس برسد تا بتواند بر احساس منفی ناشی از مواجه شدن با واژگان نا آشنا غلبه کند و در نتیجه برای یافتن هر معنا توقف نکند؛ در این صورت سرعت او خواندن او افزایش می یابد. اگر دغدغه ناشی از مواجه شدن با واژگان نا آشنا وجود نداشته باشد، زبان آموزان می توانند به سطح بالایی از مهارت خواندن دست یابند و از خواندن خود لذت ببرند همچنین دبیران نباید صرفاً به ترجمه متن بپردازند، زیرا معلم با ترجمه مستقیم متن مانع تلاش فردی و گروهی فراگیران برای درک بهتر آن می شود (حیدری و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۹).

- طرح سؤال و گرفتن جواب

معلم می‌تواند قبل از خواندن، در حین خواندن و بعد از آن از دانش‌آموزان پرسش و بدین وسیله دانش

قبلی آنها را با اطلاعات جدید ترکیب کند. سؤال‌های بحث برانگیز ابزار ارزشمندی هستند

که دانش‌آموزان را به تبادل نظر، پیش‌گویی و مشخص کردن هدف از خواندن تشویق می‌کند.

- استخراج ایده‌های اصلی متن

به طور کلی، دانش‌آموزان باید بیاموزند که چگونه معنای متن را گرفته و بازسازی‌اش کنند. معلمان بهتر است از دانش‌آموزان بخواهند که ایده‌های اصلی متن و مواردی را که بر ایده‌ها تأکید می‌کنند کشف کرده و زیر آنها خط بکشند. آنها می‌توانند برای آموزش این تمرین، ابتدا نمونه‌ای را به دانش‌آموزان نشان دهند که در آن عقاید اصلی مشخص شده‌اند (صحرایی، ۱۳۸۵: ۸۲). در واقع، دانش‌آموزان باید آزادانه آرای خود را در مورد فلسفه وجودی متن و پیامی که از آن دریافت می‌شود اعلام کنند. معلمان می‌توانند با پرسش از کلیات متن به دانش‌آموزان در بیرون کشیدن این پیام‌ها کمک کنند.

- ارزش‌های انسانی و اخلاقی ذکر شده در متن

معلم باید با ذکر ارزش‌های انسانی و اخلاقی -مثل دعوت به همکاری، پاکیزگی و اطاعت از والدین ذکر شده در متن، این مفاهیم را در ذهن دانش‌آموزان وارد کند. آنجا که مهمترین هدف آموزش عربی در مدارس، توانایی فهم متون دینی و آشنایی با ارزش‌ها و مفاهیم دینی است، در کتابهای درسی به متون دارای مفاهیم دینی و انسانی توجه زیادی شده است، از این رو معلمان می‌توانند با طرح سؤال و گرفتن جواب و بیرون کشیدن این مفاهیم و ارزش‌ها، بر کارایی این متون در رسیدن به این هدف مهم بیفزایند (متقی زاده و همکاران، ۱۳۸۹، شماره ۳۵).

- ارائه راهکارهایی برای جذاب کردن متون درسی دینی و عربی جهت تقویت فرهنگ دینی

۱- طرح مطالب درسی به صورت پرسش‌های جالب: مطلب یا موضوعی را که می‌خواهیم کودک و نوجوان یاد بگیرد، به صورت پرسش یا پرسش‌هایی روشن و جالب که آنها را به فعالیت ذهنی و پویندگی ترغیب نماید، مطرح کنیم. باید تلاش نمود تا در دانش‌آموزان احساس نیاز به وجود آید.

۲- دانش‌آموزان در اثر شکست در درسی نسبت به آن نگرش منفی پیدا می‌کنند باید به آنها کمک کرد تا با کسب موفقیت در درس جدید، به تصویری مثبت از توانایی خود دست یابند زیرا یادگیری همراه با موفقیت به ایجاد انگیزه منجر می‌شود.

۳- تجربه و تماس مستقیم با مطالب درسی: سعی نمایید تا دانش‌آموزان آنچه را که می‌خواهند یاد بگیرند با آن تماس پیدا نموده و تجربه مستقیم و عملی داشته باشند.

۴- اهداف آموزشی مورد انتظار از دانش‌آموزان را در آغاز درس برای آنها بازگو نمایید. اهداف باید روشن و متناسب با توانایی دانش‌آموزان باشد.

۵- اجرای نقش: بهتر است در زمینه برخی از موضوعات از جمله تاریخ، ادبیات، دینی و ... دانش‌آموزان را تشویق نماییم تا موضوع مورد نظر را به صورت نمایش در آورند. اجرای نمایش در تفهیم مسائل تربیتی و اخلاقی بسیار مفید و مؤثر می‌باشد.

۶- در شرایط مقتضی و مناسب از تشویق‌های کلامی استفاده کنید. مثلاً "خوب، آفرین، مرحبا و ..."

۷- باید شرایطی فراهم شود تا دانش آموز موفقیت خود را احساس کند زیرا هیچ چیز همانند خود موفقیت به موفقیت کمک نمی کند.

۸- تکالیف ارائه شده نه باید بسیار مشکل باشد و نه ساده، از ارائه تکالیف یکنواخت باید پرهیز کرد و به عبارتی تکالیف باید خاصیت برانگیختگی داشته باشند.

۹- مشخص کردن نحوه انجام کار برای یادگیرنده: کاری را که دانش آموز قرار است انجام دهد باید دقیقاً مشخص شود.

۱۰- تبادل نظر با دانش آموزان در باره مشکلات درسی و شرکت دادن آنها در طرح نقشه های کار و فعالیت

۱۱- استفاده از نمرات و آزمون ها برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان

۱۲- علاقه مندی یاددهنده به موضوع: در بسیاری از مواقع مشاهده می کنیم که بی علاقه بودن یادگیرندگان به موضوعی خاص ناشی از علاقه مند نبودن والدین و مربیان آنهاست. معلمی که در زنگ انشاء، ورقه های ریاضی را تصحیح می کند یا در ساعت ورزش به بافندگی مشغول می شود، عملاً به یادگیرندگان می گوید که برای این فعالیت ارزش قائل نیست.

۱۳- مطالب آموزشی در تدریس قرآن را باید از ساده به دشوار ارائه کرد. می توان با فعال سازی دانش آموز به هنگام تدریس در او ایجاد انگیزه نمود.

۱۴- به وضع جسمانی دانش آموزان و وضع ظاهری کلاس باید توجه نمود. کلاس درس را باید از نظر ظاهری و روانی تبدیل به محیطی امن و آرام نمود.

۱۵- از مقایسه نمودن دانش آموزان با یکدیگر خودداری نمایید.

۱۶- قدردانی از کار دانش آموز او را به کوشش و تلاش بیشتر و دلبستگی به درس وادار خواهد نمود.

۱۷- برقراری ارتباط بین مطالب درسی با واقعیات زندگی در ایجاد انگیزه مؤثر می باشد.

۱۸- بلافاصله دانش آموز را از میزان پیشرفت در کارش مطلع نمایید. آگاهی از نتیجه کار در هر مرحله از آموزش، دانش آموز را از عملکرد خود آگاه نموده و باعث می شود تا به تقویت نقاط مثبت و اصلاح نقاط ضعف و منفی خود بپردازد.

۱۹- استفاده از علائق یادگیرنده: مربیان و والدین می توانند با شناسایی علائق دانش آموز از آن استفاده مطلوب نمایند.

۲۰- مقابله با بازدارنده های عاطفی و هیجانی که موجب دلسردی و کاهش علاقه دانش آموز به درس و تحصیل می شود. مثلاً "معلمی ممکن است از دانش آموز توقع زیاد داشته باشد و یا پس از ورود به کلاس به هیچ دانش آموزی اجازه ورود ندهد و یا تکالیف سنگین تعیین کند، زیاد درس بدهد، سخت نمره دهد و گاهی تبعیض روا دارد.

۲۱- انگیزش از راه سرمشق گیری: معلم در این شیوه از شخصیتی خاص تمجید و تجلیل نموده و او را یک نمونه و سرمشق ارزشمند و قابل احترام معرفی می کند و دانش آموزان نیز از طریق همانند سازی با آن به درس و مدرسه علاقه مند می شوند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. باقری خسرو، ۱۳۸۴، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (رویارویی با مسائل نظری و عملی تعلیم و تربیت)، جلد ۲، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ اول.
۴. باقری یونس و همکاران، ۱۳۹۰ آموزش قرآن سال اول راهنمایی تحصیلی (کد ۱۱۲)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی، چاپ یازدهم.
۵. تقی پور ظهیر علی، ۱۳۸۲، اصول و مبانی آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ چهاردهم .
۶. تقی پور ظهیر علی، ۱۳۷۳، مقدمه ای بر نامه ریزی آموزشی و درسی، تهران، انتشارات آگاه. چاپ ششم.
۷. حکیمزاده، رضوان (۱۳۷۸). ارزشیابی از میزان موفقیت کتاب جدیدالتألیف عربی دوم راهنمایی در نیل به اهداف مورد نظر. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی .
۸. حسن زاده، رمضان، ۱۳۹۱، روشهای تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق)، تهران، ساوالان، چاپ دوازدهم
۹. روشندل علی اکبر، ۱۳۹۰، تحلیل محتوای کتاب های فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی از منظر تربیت دینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ساری دانشگاه آزاد اسلامی،
۱۰. سیف علی اکبر، ۱۳۷۷، روانشناسی پرورشی، تهران، انتشارات جیحون، چاپ نوزدهم.
۱۱. شریعتمداری، علی، ۱۳۷۹، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیر کبیر، چاپ شانزدهم
۱۲. شعاری نژاد علی اکبر، ۱۳۸۱، فلسفه آموزش و پرورش، تهران، امیر کبیر، چاپ ششم
۱۳. شعبانی، حسن، ۱۳۸۶، مهارتها ی آموزشی و پرورشی، جلد اول (روشها و فنون تدریس)، تهران، سمت، چاپ بیست و یکم
۱۴. شکوهی، غلامحسین، ۱۳۸۷، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ بیست و دوم
۱۵. فتحی واجارگاه، کورورش (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی. تهران: بال.
۱۶. فتحی واجارگاه، کورش، ۱۳۸۴، اصول برنامه ریزی درسی، تهران، ایران زمین، چاپ سوم
۱۷. گروه تعلیم و تربیت دینی، ۱۳۸۸، راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی، تهران، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی .
۱۸. گروه عربی دفتر برنامه ریزی. (۱۳۸۷). برنامه درسی عربی متوسطه عمومی و ادبیات و علوم انسانی. تهران: دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب راهنمای درسی.
۱۹. لطف آبادی حسین، ۱۳۹۰، روش شناسی پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول
۲۰. متقیزاده، عیسی و حمیدرضا میرحاجی (۱۳۸۷) عربی ۳ نظری (رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک). تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
۲۱. متقیزاده، عیسی؛ حاجیزاده، مهین و کاوه خضری (۱۳۹۱). نگاهی به کتاب عربی اول دبیرستان براساس الگوها و ملاکهای تحلیل و سازماندهی محتوا. جستارهای زبانی. د . ۵ .
۲۲. محدثی، جواد، ۱۳۸۸، روشها، قم، معروف، چاپ پانزدهم
۲۳. مطهری مرتضی، ۱۳۷۱، مسأله شناخت، تهران، صدرا، چاپ ششم
۲۴. مظلومی، رجبعلی، ۱۳۸۶، گامی در مسیر تربیت اسلامی، تهران، نشر آفاق، چاپ هشتم
۲۵. ملکی، حسن، ۱۳۸۷، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد، پیام اندیشه، چاپ دهم
۲۶. ملکی حسین، ۱۳۸۲، دین و برنامه ی درسی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول
۲۷. نقیب زاده میر عبدالحسین، ۱۳۷۴، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طهوری، چاپ ششم

The Impact of the Arabic Language Teaching on Strengthening the Religious Culture of First-grade High School Students

Hossein Yousefi Amoli ¹, Abdullah Soleimani ²

1- Iran, Mazandaran University, Faculty of Literature and humanities, Department of Arabic Language and Literature, associate professor and faculty member

2- Iran, Mazandaran University, Faculty of Literature, and humanities, Department of Arabic Language and Literature, graduated master student in Arabic Language and Literature.

Abstract

The aim of the researchers in this article was to investigate the impact of Arabic language teaching on strengthening the religious culture of first-grade high school students and the methods of study is historical or library method. The main objectives of the research include: 1-religious approaches to teaching Arabic language in first grade high school 2- investigating the effective components of teaching the Arabic courses and its relationship with educating the region 3-The importance of teaching the Arabic language and its relationship with religious education of students. In the analysis of the findings, it could be stated that the process of teaching and learning in the education system is affected by several factors such as family, teachers, books, peer group, community, and mass media. Arabic and religious courses have particular importance in educational programs and policies related to cultural development in our country, since cultural development based on value system strengthens its foundations, which religion and ethics are foundations and basics of this value system, particularly that these religious and ethical values have always core role in the Iranian culture in our religious community. If the education is considered as one of the effective ways to transfer and spread these values, our religious books will be as the most important factor in expanding the mentioned values in the current book-oriented system.

Keywords: Teaching Arabic language, strengthening religious culture, students, the first-grade high school
